

خلاصه

۴۸۶

بلوغ

آریو وزین زاده

وزین زاده، آریو، ۱۳۵۹ هـ

بلوغ / تألیف: آریو وزین زاده، مشهد: سخن گستر، ۱۳۸۴.
۷۲ ص.

ISBN: 964-477-010-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. شعر فارسی، قرن معاصر، الف، عنوان

۲۳۲۲ / ۶۷۶۷ / ۱۴۳۱۶۴

سنگ گستر

ناشر	:	سخن گستر
نام کتاب	:	بلوغ
سروده	:	آریو وزین زاده
نقاشی روی جلد	:	پروانه فرداد
نوبت چاپ	:	اول ۱۳۸۴
شمارگان	:	۱۰۰۰ جلد
قیمت	:	۶۰۰ تومان
چاپ	:	ژیان
شابک	:	۹۶۴-۴۷۷-۰۱۰-۲

مشهد- خیابان ابن سینا- پلاک ۱۷۴ تلفن: ۸۴۳۹۹۵۵ (خط ۵)

www.sokhangostar.com

info@sokhangostar.com

فهرست مطالب

۷		سرآغاز
۹		بال پرواز
۱۳		رشته‌ها
۱۴		کاش
۱۶		راز عشق
۱۹		هجوم حقیقت
۲۰		عشق
۲۲		زخم تقدیر
۲۵		عادت
۳۱		تلویزیون
۳۳		مرد بزرگ
۳۷		گنجشک
۴۰		اسطوره احساس
۴۲		شب شعر
۴۴		آتش اندوه

۴۵	نزدیک
۴۷	سراب
۴۹	وداع
۵۱	نسیم نگاهت
۵۲	نقش غریب
۵۴	شور
۵۶	حکم
۵۸	پرسش
۶۰	زوال
۶۲	نقد هم گذشت
۶۶	فرار
۶۸	بی تصویر
۷۰	بر بلندای
۷۲	کشش

سرآغاز

رویای شیرین قدم نهادن بر شن‌های ساحلی هنر و درک این لذت از
ماورای گفته‌ها و حکایت‌ها، اگرچه وجود را سرشار از حس عشق و زیست
را برای کشف ترغیب می‌کند، اما کوله مسئولیت را چندان سنگین می‌سازد
که گهگاه ترس‌هایی را در نهاد آدمی شعله‌ور می‌سازد. کششی در ژرفنای
وجود، آدمی را به نوع دوستی و همیاری می‌خواند و همه آنچه اخلاق نام
نهاده می‌شود در کنش و واکنشی با هم‌نوع و یا حتی غیرهم‌نوعان معنی
می‌شود. جدا از این اگر نیک بنگریم راحتی ما چندان به راحتی دیگران
گره خورده است که نمی‌توانیم نسبت به درگل‌ماندگان و کشتی شکستگان
بی‌تفاوت باشیم. و این احساس در قبال دیگران است که گاهی آدمی را
وادار می‌کند خارج از سویس^۱ هم زندگی کند و بادمی یا درمی یا قدمی^۲
خویش را از لذت خدمت لبریز سازد و درست در همین جاست که نه
عقاب و نه کبوتر بلکه مشیری شاعر به پرواز در می‌آید و به افلاک
می‌رسد، اوج می‌گیرد و دور می‌شود آن‌گاه نژده بال و پری، یاد مرغان

۱. تریستان عزیزم، هنرمند بودن مانند آن است که هنگام جنگ جهانی، در سویس زندگی کنی (تام استویارد)

۲. تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن به دمی یا درمی یا قدمی

گرفتار قفس او را به سوی خاک می‌کشاند. این گفته واسیلی کاندینسکی که: «هنرمند نه فقط چشمانش بلکه روحش را نیز باید تعلیم دهد»، بیش از پیش سنگینی این عناوین پرهیت و زینت‌آرای محفلی خویشتن را مشخص می‌سازد و هرکس خود بهتر می‌داند چه راههای نرفته‌ایی پیش رو دارد و با شرط آن‌که «بداند که نداند» خود بهتر می‌داند چه رودها و دشت‌ها و فله‌هایی است که چشمش بدان‌ها بازنگشته است.

گام نخست گذاشتن در مسیر پرفراز و نشیب درک خویش (بلوغ) که آدمی در واقع هدفی جز این نیز ندارد، درک ضرورت‌های پنهان مانده غبار گرفته در اجتماعات بشری است و شاید به همین دلیل است که جیمز بالدوین هدف از هنر را آشکار کردن پرسش‌های پنهان شده در زیر پاسخ‌ها می‌داند. باتوجه به آنچه گفته شد جایگاه هنر در این نقطه حساس زندگی آدمی بسیار بالاست چه تلفیق احساس و اندیشه می‌تواند بستری مناسب و روندی تدریجی برای گام نهادن در عرصه سنجش‌های عقلی گردد.

آریو وزین‌زاده